



The Rights of Children with Disabilities in Iran: An Analysis of Determining Areas

Maryam Sha'ban¹

1. Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The present study seeks to identify, interpret and analyze the rights of children with disabilities in Iran. In this regard, the decisive fields of jurisprudence and law have been identified and analyzed at the domestic and international level.

Method: The research approach is qualitative and the research method is exploratory and documentary analysis. After identifying the documents related to the subject and issue of the research, they have been studied, analyzed and reviewed.

Results: The results of the research show that at the international level and the Islamic Covenant on the Rights of the Child and in the internal laws and regulations of the Iranian society, the society and the political power structure are responsible for formulating and implementing protective policies for disabled children and these policies are also aimed at reducing harm, rehabilitating and Treatment of the disabled. In fact, they are considered a "posteriori strategy" towards the disabled. But in the religion of Islam, centered on Shiism as the dominant religion in Iran, dealing with the child is about potentially being a child, not actually being a child; This means that the children of future generations are considered and "foreseeable" in the current generation. It is as if the scope of childhood includes history and generations and is a "transhistorical" and "trans-generational" issue. Islam has emphasized on the "future and posterity" and respecting the potential rights of the next generations and has a "preventive" approach.

Conclusion: The dominant strategy of the teachings of Islam in relation to children with disabilities can be inferred as "a priori and a posteriori strategy". In addition to the governing authority, community activists are responsible for the realization of plans related to this strategy for disabled children.

Keywords: Children with Disabilities; Children's Rights; Laws and Regulations; the Islamic World; the International Community

Corresponding Author: Maryam Sha'ban; **Email:** M.shaban@ut.ac.ir

Received: November 10, 2020; **Accepted:** May 13, 2021

Please cite this article as:

Sha'ban M. The Rights of Children with Disabilities in Iran: An Analysis of Determining Areas. *Child Rights Journal*. 2021; 3(9): 17-33.

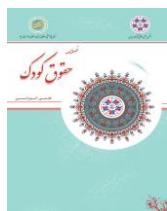


انجمن علمی حقوق کودک ایران

انجمن علمی حقوق کودک ایران

فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره نهم، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۳۳-۱۷

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>

حقوق کودکان دارای معلولیت در ایران: تحلیل عرصه‌های تعیین‌بخش

مریم شعبان^۱

۱. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر به دنبال شناسایی، تفسیر و تحلیل حقوق کودکان دارای معلولیت در ایران است. در این راستا، عرصه‌های فقهی و حقوقی تعیین‌کننده در سطح داخلی و بین‌المللی شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

روش: رویکرد پژوهش، کیفی و روش تحقیق نیز اکتشافی و تحلیل اسنادی می‌باشد. بعد از شناسایی اسناد مرتبط با موضوع و مسأله پژوهش، آن‌ها را مورد مطالعه، تحلیل و بررسی اولیه قرار داده‌ایم.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در سطح بین‌المللی و میثاق اسلامی حقوق کودک و در قوانین و مقررات داخلی جامعه ایران، جامعه و ساختار قدرت سیاسی مسئول تدوین و اجرای سیاستگذاری‌های حمایتی برای کودکان دارای معلولیت هستند و سیاستگذاری‌ها نیز، در جهت کاهش آسیب، توان بخشی و درمان معلولان سامان یافته‌اند. بنابراین نسبت به معلولان «استراتژی پیشینی» محسوب می‌شوند. اما در دین اسلام، با محوریت تشیع به عنوان مذهب مسلط در ایران، پرداختن به کودک، به صورت بالقوه کودک‌بودن، نه بالفعلی آن است؛ به این معنی که کودکان نسل‌های بعد در نسل حاضر مورد توجه و «آینده‌نگری» هستند. گویی محدوده کودکی، تاریخ و نسل‌ها را دربر گرفته و مسأله‌ای «فراتاریخی» و «فرانسلی» است. اسلام، به «آینده و آیندگان» و رعایت حقوق بالقوه نسل‌های بعدی تأکید داشته و دارای رویکردی «پیشگیرانه» است.

نتیجه‌گیری: استراتژی حاکم بر آموزه‌های دین اسلام در رابطه با کودکان دارای معلولیت در قالب «استراتژی پیشینی و پیشینی»، قابل استنباط است. برای تحقق برنامه‌های مربوط به استراتژی‌های پیشینی و پیشینی، برای کودکان دارای معلولیت، علاوه بر قدرت حاکمه، کنشگران جامعه مسئولیت دارند.

وازگان کلیدی: کودکان دارای معلولیت؛ حقوق کودک؛ قوانین و مقررات؛ جهان اسلام؛ جامعه بین‌الملل

نویسنده مسئول: مریم شعبان؛ پست الکترونیک: M.shaban@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Sha'ban M. The Rights of Children with Disabilities in Iran: An Analysis of Determining Areas. Child Rights Journal. 2021; 3(9): 17-33.

مقدمه

یا کاهش سهیم‌شدن در زندگی اجتماعی است. معلولیت‌ها بر اساس اختلالاتی که باعث بروز آن‌ها شده تقسیم‌بندی می‌شوند. معلولیت‌ها به شش دسته مختلف، از جمله جسمی و حرکتی، عقب‌ماندگی ذهنی، اختلالات اعصاب و روان، حس بینایی، شنوایی، گفتاری، تقسیم‌بندی می‌شوند. در این بین کنشگران از جمله کودکان دارای معلولیت، با توجه به نوع و شدت معلولیت خود، می‌توانند یک زندگی از طیف زندگی نباتی، تا زندگی عادی، شاداب، پرنشاط و فعالی را تجربه نمایند.^(۴)

در ایران آمار دقیقی از کودکان دارای معلولیت در دست نیست، اما بر اساس آخرین آمار اعلامشده توسط ریس سازمان بهزیستی کشور، سالانه سی هزار کودک معلوم در ایران متولد می‌شوند و این موضوع جدای از مجوزهای صادرشده برای سقط جنین‌هایی است که به دلیل وجود خطر برای مادر یا بیماری‌های ژنتیکی در جنین، صادر می‌شوند^(۵). بنابراین همه جوامع برای کودکان دارای معلولیت خود، موظف به تعریف قواعد حقوقی مستقیم و غیر مستقیم در راستای حمایت و ارتقای کیفیت زندگی و سطح رفاه آن‌ها هستند. شناسایی و تحلیل حقوق کودکان دارای معلولیت در ایران نیز یکی از گام‌های مهم در راستای شناسایی و سپس ارتقای حقوق کودکان در ایران است.

در رابطه با کودکان دارای معلولیت در ایران، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. پژوهش‌هایی که عموماً با نگاه آسیب‌شناسی، در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، حقوق، مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی و... انجام شده‌اند^(۶-۹)، اما جستجوی پژوهشگر برای یافتن پژوهشی داخلی یا خارجی که بر مطالعه حقوق کودکان دارای معلولیت و عرصه‌های تعیین‌بخش آن متمرکز باشد، بی‌نتیجه ماند.

در پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش هستیم. در این راستا: ۱- شناسایی عرصه‌های تعیین‌کننده کودکان دارای معلولیت در ایران؛ ۲- تحلیل کودکان دارای معلولیت در قوانین و مقررات ایران، جهان اسلام و سطح بین‌المللی؛ ۳- شناسایی نقاط ضعف و قوت و شباهت و تفاوت حقوق کودکان دارای معلولیت در ایران، جهان اسلام و سطح

کودکی، از نظر متخصصان رشته‌های مختلف علمی، از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و...، یکی از مهم‌ترین دوران‌های زندگی بشر است^(۱)، در این دوران است که مبنای‌های شخصیتی، روحی و حتی جسمی شکل می‌گیرد و از آن پس، در کل دوران زندگی انسان اثرگذار می‌باشد. این موضوع همواره در جوامع مختلف، به خصوص جوامع توسعه‌یافته مورد تأکید بوده است، زیرا شاکله انسان در دوران کودکی شکل می‌گیرد. بنابراین نحوه تربیت، آموزش و تجربه‌های کودک، برای بقیه سال‌های زندگی‌اش و گروه‌هایی که در آن‌ها عضو است و همچنین برای جامعه، بسیار مهم و تعیین‌کننده است، زیرا کودکان، نسل آینده هر جامعه‌ای هستند و چگونگی یک جامعه را در آینده مشخص می‌کنند. در این بین، کودکان دارای معلولیت در هر جامعه‌ای نیازمند اقدامات و حمایت‌های فوری در سطوح و زمینه‌های مختلفی هستند که کیفیت آن‌ها تعیین‌کننده سطح توجه جامعه نسبت به این قشر از کودکان است. شناسایی، تحلیل و تعیین نقاط قوت و ضعف این سیاستگذاری‌ها، برای بهبود وضعیت کودکان دارای معلولیت در هر جامعه و نیز در جهت ارتقای سطح رفاه جامعه ضروری بوده و نیز سیاستگذاران را در جهت برنامه‌ریزی بهتر هدایت می‌کند^(۲).

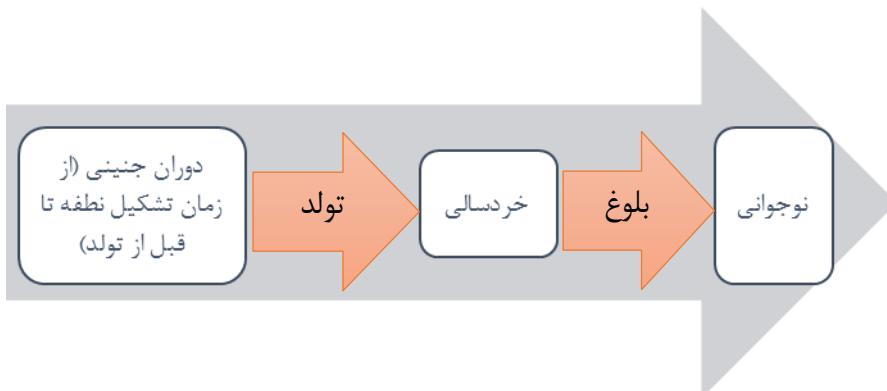
کودک در نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین و نخستین نهاد جامعه، پا به عرصه حیات می‌گذارد و رشد و شخصیت می‌یابد. او در این دوران نیازمند حمایت و مراقبت‌های ویژه از طرف اعضای خانواده خود است. اما، به وجودآمدن کوچک‌ترین تغییر در ساختار بهنگار خانواده، باعث بروز مشکلات بسیاری می‌گردد که حضور یک کودک معلوم می‌تواند این ساختار مهم را متزلزل کند^(۳). هر نوع ناتوانی که در زندگی مستقل یک فرد، اثرگذار باشد را معلولیت می‌گویند، اما معلولیت‌ها عموماً به دو شیوه سنتی و مدرن تعریف می‌شوند. معلولیت در حوزه سنتی، به وضعیتی گفته می‌شود که فرد به دلیل از دست‌رفتن برخی از توانایی‌هایش، نتواند زندگی مستقلی داشته باشد؛ در حوزه مدرن نیز، معلولیت، به معنای فقدان و

تا ۱۸ سالگی است، هرچند که این بازه، شامل مرحله اول یا دوران جنینی، مرحله دوم یا خردسالی و مرحله سوم، یا نوجوانی می‌گردد، اما بر اساس شرایط حقوقی - قانونی و مسئولیت‌های اجتماعی، کودکی تا ۱۸ سالگی تمام، ادامه دارد. بنابراین کودکی شامل سه بخش جنینی، خردسالی و نوجوانی می‌گردد که هر سه در برابر دیگری خود، یعنی بزرگسالی قرار می‌گیرند که هر سه مرحله کودکی با نگاه نسبی‌گرایانه، تعریف و دارای حقوقی مختص خود می‌باشند، اما در کل، روح حقوق حاکم بر سه دوره در ذیل فضای کلی کودکی، یکسان است و شامل عدم مسئولیت جدی و قطعی، نیاز به حمایت و سهل‌گیری است. علاوه بر این دو موضوع «تولد» و «بلغه» دو گلوگاه مهم در کودکی به شمار می‌روند که عرصه کودکی را به سه مرحله تقسیم می‌کنند (۲).

بین‌المللی؛ ۴- ارائه سطح تفسیری و تحلیلی از وضعیت حقوق کودکان ایرانی برای مدیران و سیاستگذاران، از جمله اهداف پژوهش هستند.

۱. مفاهیم حساس پژوهش

۱-۱. کودک: تعیین محدوده زمانی و سنی، یکی از مهم‌ترین گام‌ها می‌باشد که نه تنها تعیین‌کننده گروه هدف و مخاطبان است، بلکه چیستی و چگونگی کودکی و حقوق کودک را نیز تعیین می‌کند. کودک در اسناد بین‌المللی به خصوص پیمان‌نامه حقوق کودک، بر اساس ماده ۱، به معنی هر فرد انسانی زیر ۱۸ سال است؛ بازه زمانی کودکی نیز، از بدو تولد تا قبل از ۱۸ سال تمام (بر مبنای تقویم رسمی هر کشور) است. کودک و نوجوان در جامعه ایران و نظام حقوقی اسلامی عبارت است از، هر فرد انسانی از زمان تشکیل نطفه تا قبل از ۱۸ سالگی. به طور کلی، بازه زمانی کودکی، از زمان تشکیل نطفه



نمودار ۱: مراحل کودکی در جامعه ایران

است. به عبارت دیگر هرگونه فقدان یا محدودیت در توانایی انجام‌دادن فعالیت‌هایی که در سطح طبیعی، از هر انسانی انتظار می‌رود، ناتوانی نامیده می‌شود. علاوه بر این، باید گفت که معلولیت (Handicap)، با محرومیت مرتبط است. محرومیت‌هایی که فرد در نتیجه نقص (اختلال) و ناتوانی تجربه می‌کند. به عبارت دیگر هرگونه فقدان یا کاهش فرصت برای مشارکت در زندگی اجتماعی در سطحی برابر با دیگران، معلولیت نامیده می‌شود. بنابراین از معلولیت به عنوان محدودیت مشارکت نیز

۲-۱. معلولیت: در سال ۱۹۸۰، سازمان جهانی بهداشت، بر اساس مطالعات و بررسی‌های خود، یک طبقه‌بندی از سه مفهوم نقص، ناتوانی و معلولیت اراده نمود. پیرو این امر، نقص (Impairment)، با غیر عادی‌بودن ساختار، نمود ظاهری اندام و عملکرد بدن، مطرح می‌شود. به عبارت دیگر هرگونه فقدان یا ناهنجاری در زمینه جسمانی، روانی، عملکردی یا آناتومی انسان، نقص نامیده می‌شود. ناتوانی (Disability)، منعکس کننده پیامدهای نقص (اختلال) در عملکرد و فعالیت‌های فرد

«سیاستگذاری‌های مربوط به کودکان دارای معلومیت» (به فارسی و انگلیسی) پرداخته و نیز از ۱۰ نفر از محققان و مستولان ساختاری مرتبط با کودکان و کودکان دارای معلومیت پرس‌وجو شد (۲)، در نهایت سیاستگذاری‌های شناسایی شده گونه‌بندی شدند و در جدول زیر در سه حوزه سیاستگذاری‌های سطح بین‌المللی، جامعه ایران و جهان اسلام ارائه گردیدند.

جدول ۱: عرصه‌های تعیین‌بخش حقوق کودکان معلوم در ایران

اسناد تعیین‌بخش	حوزه
- کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹.	بین‌المللی
- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلومیت ۲۰۰۶.	جامعه ایران
- قوانین و مقررات تقنی.	جهان اسلام
- آموزه‌های دین اسلام (با محوریت تشیع).	
- حقوق کودک در میثاق اسلامی.	

همانطور که در جدول ۱ نیز ارائه گردید، ابتدا به تحلیل جامعه‌ساختاری حقوق کودکان دارای معلومیت در عرصه بین‌المللی می‌پردازیم و سپس سطح ملی و جهان اسلام را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۱. تجزیه و تحلیل سیاستگذاری‌ها و حقوق کودکان دارای معلومیت در عرصه بین‌المللی: پایان جنگ‌های جهانی اول و دوم نقطه عطفی برای شروع توجه به وضعیت معلومین بود. بعد از پایان این جنگ‌ها، جامعه نمی‌توانست نسبت به رزمندگان معلوم بی‌تفاوت باشد. رزمندگان معلوم به مثابه قهرمانان ملی تلقی می‌شدند و به همین دلیل نیز جامعه می‌باشد اقدامات لازم جهت حمایت از حقوق آن‌ها را به عمل آورد. این امر، زمینه‌ساز توجه به سرنوشت تمامی معلومین اعم از معلومین میدان جنگ و سایر معلومین گردید (۲). بنابراین به تدریج نگرش جامعه نسبت به افراد معلوم متتحول گردید و تلاش‌های زیادی در خصوص رعایت و احترام به حقوق آن‌ها انجام شد؛ به شکلی که معلومان جزئی از جامعه دانسته شدند و این الزام احساس شد که باید همانند افراد سالم از فرصت‌های برابری برخوردار شوند و نیز زمینه

یاد می‌شود. بهداشت جهانی نیز، در سال ۱۹۸۱، در تجدید نظر خود، معلومیت را وجود اختلال در روابطه بین فرد و محیط تعریف کرده است و نیز در تجدید نظر سال ۲۰۰۰، سازمان بهداشت جهانی به جای استفاده از واژه‌های ناتوانی و معلومیت، از دو مفهوم فعالیت و مشارکت، استفاده کرده است. این تعریف رویکردی مثبت به معلومیت است که به جای تمرکز بر ناتوانی‌ها بر توانمندی‌های افراد معلوم تأکید می‌کند (۱۰). پیرو آنچه که مطرح شد، در رابطه با علل معلومیت نه تنها مباحث ژنتیکی و وراثتی مطرح می‌شوند که از بدرو تولد با فرد همراه هستند، بلکه نقش‌هایی که به دنبال حوادث طبیعی و غیر طبیعی ایجاد می‌شوند را نیز دربر می‌گیرد، مثلًاً مصدومیت جنگ، حوادث رانندگی، بلایای طبیعی و... .

روش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی و روش تحقیق نیز اکتشافی و تحلیل اسنادی می‌باشد. در این راستا، بعد از شناسایی اسناد مرتبط با موضوع و مسئله پژوهش، آن‌ها را مورد مطالعه و بررسی اولیه قرار داده و سپس با رویکردی «تاریخی یا درزمانی» مورد تحلیل عمیق‌تر قرار دادیم. بنابراین مواد قانونی که ممکن است در حال حاضر منسخ شده باشند نیز مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، زیرا فضای فرهنگ حقوقی مسلط جامعه مورد نظر و تحلیل است که امری کاملاً تاریخی و درزمانی است، لذا هرگز نمی‌توان مقطعی به آن پرداخت؛ در گام دوم، نقاط ضعف و قوت، شباهت‌ها و تفاوت‌های موارد حقوق کودکان دارای معلومیت شناسایی شدند. در نهایت، تحلیل و استنباط پژوهش ارائه شده است.

یافته‌ها

در این بخش از پژوهش، ابتدا به شناسایی سیاستگذاری‌های مرتبط با کودکان در سطح جامعه ایران، جهان اسلام و سطح بین‌المللی پرداختیم. در این راستا، ابتدا با روش اکتشافی به جستجوی اسناد از طریق جستجوی اینترنتی با واژگان کلیدی مختلفی پیرامون «کودکان معلوم» «سیاستگذاری‌ها» و

کنوانسیون حقوق افراد ناتوان ۲۰۰۶ (۱۱) مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گام دیگری در حمایت از کودکان ناتوان شمرده می‌شود. در مقدمه این سند دولتهای عضو با یادآوری تعهدات خود در پیمان‌نامه حقوق کودک بر این نکته تأکید دارند که کودکان ناتوان باید از تمام حقوق انسانی و آزادی‌های پایه، مساوی با سایر کودکان برخوردار باشند. مواد مختلفی از این معاهده به حمایت از کودکان ناتوان و احترام به حق آن‌ها برای حفظ هویت، اشاره داشته است. ماده هفتم، با عنوان کودکان ناتوان، از دولتهای عضو می‌خواهد تمام اقدامات لازم را برای اطمینان از برخورداری کامل کودکان ناتوان از حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی به نحو برابر با سایر کودکان اتخاذ نمایند و در کلیه اقدامات مربوط به کودکان، منافع عالیه آن‌ها را در نظر گیرند.

در ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بند ۱ یا ماده ۲۶ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۱ کنوانسیون رفع تبعیض نژادی و همچنین تفسیر عمومی کمیته حقوق بشر نیز، بر عدم تبعیض نسبت به محترم‌بودن انسان‌ها به طور عام و کودکان به طور خاص، فارغ از هر تفاوتی تأکید شده است و اعلام کرده‌اند که تفاوت‌های انسان‌ها نباید باعث محرومیت و محدودیت یا تمایز و ممنوعیت گردد؛ این تفاوت‌ها می‌توانند شامل هر نوع تفاوتی از جمله تفاوت نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت و منشأ اجتماعی، ثروت و دارایی، مکنت و منسب، معلولیت و... شود (۱۲-۱۳).

در نهایت کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، از دیگر مواردی است که نسب به کودکان دارای معلولیت و حمایت از آن‌ها، تأکید داشته است. در ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک در رابطه با عدم تبعیض در بین کودکان آمده است که «کشورهای عضو، حقوق مندرج در پیمان‌نامه حاضر را برای هر یک از کودکانی که در حوزه قضایی آن‌ها می‌باشند، بدون هرگونه تبعیض و بدون توجه به نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت و منشأ اجتماعی، ثروت و دارایی، مکنت و منسب، معلولیت و... خود کودکان یا والدین و

مشارکت آن‌ها تسهیل گردد تا بتوانند استعدادهای خود را شکوفا کنند. از این زمان به بعد، در سطح جهان، مقررات ملی و بین‌المللی در رابطه با حمایت از معلولین تصویب شدند و نیز به منظور حمایت از حقوق معلولین علاوه بر تدوین مقررات، نهادهایی نیز در حقوق داخلی کشورها پیش‌بینی شد تا رعایت مؤثر حقوق مذبور را تضمین کنند.

اوج گسترش و توسعه حقوق افراد معلوم به بعد از دهه ۷۰ باز می‌گردد. تصویب اعلامیه حقوق عقب‌مانده ذهنی ۱۹۷۱، اعلامیه حقوق اشخاص معلوم ۱۹۷۵ و اعلام سال ۱۹۸۱، به عنوان سال جهانی معلولین و اختصاص دهه ویژه برای معلولین ۱۹۸۳-۹۲ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد از جمله این تلاش‌ها هستند، البته سازمان‌های دیگری همچون شورای اروپا و یا به طور خاص سازمان بین‌المللی کار، با رویکرد محدودتری در ۱۹۵۵ و ۱۹۸۳، در مورد توان‌بخشی حرفة‌ای افراد معلول و اشتغال آن‌ها توصیه‌نامه‌ها و مقاوله‌نامه‌هایی تصویب کرده‌اند. همانطور که سیاستگذاری‌های مطرح شده و زمان آن‌ها نشان می‌دهد، از نظر تاریخی، قالب این اسناد مربوط به بعد از جنگ جهانی دوم بوده و ماهیت آن‌ها، بیش از هر چیزی تحت تأثیر مستقیم توسعه و ارتقای موضوع حقوق بشر در جهان بوده‌اند.

ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بدون آنکه نامی از کودکان ناتوان ببرد، اعلام می‌دارد: «هر کس حق دارد در موقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوه‌گی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسائل امراض معاش از دست رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار باشد.» اجلas جهانی سران برای کودکان ۲۰۰۱، نیز کودکان ناتوان را در گروه کودکانی قرار داده است که در موقعیت‌های دشوار هستند و به توجه، حمایت و کمک ویژه نیاز دارند. مطابق تفسیر عمومی شماره پنجم کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کودکان ناتوان در معرض بهره‌کشی، سوءاستفاده و بی‌توجهی هستند و حق دارند مورد حمایت ویژه قرار گیرند. علاوه بر مندرجات قطع نامه ۳۴۴۷ مجمع عمومی سال ۱۹۷۵ و اعلامیه ۱۹۵۹، سازمان ملل درباره کودکان ناتوان و

احترام به خانه و خانواده و حق زندگی با والدین، ماده ۲۳ حق برآموزش بدون تبعیض و ایجاد فرصت‌های برابر، ماده ۲۴ حق بر بهداشت و سلامت در بالاترین استانداردهای ممکن و بدون تبعیض، دسترسی به خدمات بهداشتی با رعایت تفاوت‌های جنسی، در ماده ۲۵ مشارکت در زندگی فرهنگی، تفریحی و ورزشی و قادرسازی به شرکت مساوی با سایر افراد در فعالیت‌های تفریحی و ورزشی برای معلولین مطرح شده است و در ماده ۳۰ در این کنوانسیون، همه موارد حقوق کودک برای کودکان ناتوان به رسمیت شناخته شده است.

اما آخرین سند بین‌المللی در مورد معلولان، کنوانسیون حقوق اشخاص معلول مصوب ۲۰۰۶ می‌باشد که به منظور حمایت بیشتر از معلولین به تصویب رسیده است. این کنوانسیون، در ۵۰ ماده، به لزوم و وظیفه دولتهای برای ایجاد بسترها و زمینه‌های حمایت‌های همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی از معلولین به طور کلی و کودکان دارای معلولیت به طور خاص، تأکید کرده است. هدف و آرمان مسلط بر این سند، ارتقای سطح رفاه و کیفیت زندگی افراد معلول، از جمله کودکان در کل جهان است.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۹۴ نظریه عمومی شماره ۵ خود را درباره اشخاص دارای معلولیت منتشر کرد که مقرر می‌داشت: «تأثیر تبعیض بر معلولیت به ویژه در حوزه‌های آموزش، مسکن، اشتغال، حمل و نقل، فرهنگ و دسترسی به اماكن و خدمات عمومی بسیار حائز اهمیت و مورد نیاز برای رسیدگی است.» نظریه عمومی شماره ۹ (۲۰۰۶ م.) حقوق کودکان دارای معلولیت را مورد توجه قرار داده است. کمیته فوق از دولتهای عضو خواسته به منظور ایجاد دسترسی آزاد به اطلاعات و اشتراک‌گذاری دانش در مدیریت توان‌بخشی کودکان دارای معلولیت همکاری بین‌المللی داشته باشد و به کشورهای در حال توسعه مساعدت فنی و کمک‌های لازم برای تأمین نیازهای مبرم معلولین در زمینه پیشگیری از معلولیت، تأمین خدمات، توان‌بخشی و همسان‌سازی فرصت‌ها مساعدت فوری به عمل آورند. همچنین کمیته بر اهمیت همکاری بین‌المللی به کشورهایی که متحمل جنگ‌های داخلی یا خارجی هستند و به نقشه

سرپرستان قانونی کودک، محترم شمرده و تضمین خواهد کرد (بند ۱)» و نیز در ماده ۲۳ کنوانسیون در حمایت از کودکان دارای معلولیت «کشورهای طرف کنوانسیون اذعان دارند کودکی که ذهنًا یا جسمًا چهار نقص می‌باشد، باید در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکا به نفس باشد و شرکت فعال کودک در جامعه را تسهیل نماید، رشد یافته و از یک زندگی آبرومند و کامل برخوردار گردد. کشورهای طرف کنوانسیون حق کودکان دارای معلولیت را برای برخورداری از مراقبت‌های ویژه به رسمیت می‌شناسند و ارائه این مراقبتها را بر حسب شرایط والدین و یا مسئولین کودک و منوط به وجود منابع، به این‌گونه کودکان و کسانی که مسئول مراقبت از آنان هستند، تشویق و تضمین خواهند کرد. با تشخیص نیازهای ویژه کودک معلول، کمک‌های مقررشده در پاراگراف دوم این ماده در صورت امکان می‌باشد به طور رایگان و با در نظر گرفتن منابع مالی والدین و یا مسئولین کودک انجام گیرد و می‌باشد به نحوی برنامه‌ریزی شود که کودک معلول بتواند دسترسی مؤثر به آموزش، تعلیم و تربیت و خدمات مراقبتی بهداشتی، خدمات توان‌بخشی، آمادگی برای اشتغال و ایجاد فرستاد به روی که موجب دستیابی کودک به حداکثر کمال اجتماعی و پیشرفت شخصی، از جمله پیشرفت فرهنگی و معنوی وی می‌شود، داشته باشد. کشورهای طرف کنوانسیون در سایه همکاری‌های بین‌المللی، مبالغه اطلاعات لازم را در زمینه مراقبت‌های بهداشتی جهت پیشگیری و معالجات پزشکی، روان‌شناسی و توان‌بخشی کودکان دارای معلولیت، از جمله انتشار و در دسترس قرار دادن اطلاعات مربوط به روش‌های توان‌بخشی، آموزش و خدمات حرفه‌ای با هدف قادرساختن کشورهای طرف کنوانسیون به پیشبرد توانایی‌ها و مهارت‌های خود و گسترش تجربیات آنان در این زمینه‌ها، افزایش خواهد داد. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی مبذول خواهد شد» (۱۴-۱۵).

همچنین ماده ۴ کنوانسیون در رابطه با حق مشارکت، ارتقای سیستم آموزشی در تمام سطوح، از جمله در سنین پایین و کودکی، در ماده ۸ رهایی از بهره‌گشی، خشونت و سوءاستفاده، در ماده ۱۶ حق بر نام، ثبت تولد، تحصیل تابعیت، ماده ۱۸

برای آموزش، برخورداری از مراقبت و تربیت، برخورداری از جامعه‌پذیری، برخورداری از ارزش‌ها، سنت و زبان، برخورداری از حمایت مالی و معیشتی، حق تأمین مسکن و سرپناه، حق امنیت در وقایع انسانی و مخاصمات، حق امنیت و حمایت در بلاحی طبیعی، حق برخورداری از امکانات مناسب معلومان مناسب با نوع معلولیت در جامعه، مناسبسازی جامعه برای معلومان مناسب با انواع معلولیت‌ها، ارائه خدمات توانبخشی به معلومان، ارائه خدمات بازپروری به معلومان، برخورداری معلولان از امکانات تفریحی، فرهنگی و ورزشی مناسب با نوع معلولیت آن‌ها، حق مشارکت اجتماعی و عضویت در گروه‌ها و اجتماعات، برخورداری از حمایت‌های حقوقی و قانونی، حمایت جنسیتی از معلومان به ویژه حمایت از دختران معلول، حفظ استقلال و عدم وابستگی معلومان، حق آگاهی‌بخشی اجتماعی و عمومی معلومان، فرهنگسازی جامعه پیرامون معلولیت و معلومان، توجه به معلومان به عنوان شهروند، دسترسی به فناوری ارتباطات و اطلاعات نوین، تأکید بر تعیین معیارهای درون‌گروهی برای معلومان (سن ناتوانی، سن بلوغ و... مناسب با معلومان)، رعایت حق دادخواهی معلومان، برخورداری از بیمه‌های سلامت و عمر معلومان، برخورداری معلومان از رفاه و تأمین اجتماعی. ایران به دنبال تعهدات بین‌المللی خود، علاوه بر برنامه‌های داخلی موظف به توجه متصرکتری بر بهبود و ارتقای وضعیت کودکان دارای معلولیت گردید. در این راستا، هرچند که ایران هماهنگ همه کشورها دارای «حق شرط بین‌المللی» است و می‌تواند هر مورد را مناسب با فرهنگ خود اجرا کند، اما متعهد به گزارش دوره‌ای از وضعیت کودکان معلوم ایران، به کنوانسیون‌های بین‌المللی به خصوص کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت است (۱).

۳. تجزیه و تحلیل حقوق کودکان دارای معلولیت در ایران: همانطور که ذکر گردید، سیاستگذاری‌های مرتبط با کودکان معلول که در جامعه ایران تدوین و اجرا شده‌اند، را می‌توان در دو طبقه، گونه‌شناسی نمود: ۱- قوانین و مقررات تقنی؛ ۲- آموزه‌های دین اسلام (با محوریت تشیع).

مناطقی که مین‌های زمینی و مهمات منفجرنشده دسترسی ندارند، مطابق با کنوانسیون ۱۹۹۷ مبنی بر ممنوعیت استعمال، ذخیره، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر در پاکسازی و نابودسازی آن‌ها تأکید داشته است. از این رو کمیته علاوه بر تأکید بر تعهدات دولتها، به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد تأکید می‌کند و از دولتها خواسته تا اقدامات لازم در تشویق سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور تأمین خدمات برای کودکان معلول همکاری کنند. علاوه بر این، کمیته به دولتها عضو توصیه می‌کند نظریه عمومی شماره ۶ (۲۰۰۵ م.) کمیته در خصوص برخورد با کودکان بدون همراه و آواره در خارج از کشور زادگاه را مورد توجه قرار دهند (۱۲-۱۳).

۲. تعهدات بین‌المللی ایران برای حمایت از کودکان دارای معلولیت: ایران، با قبول حقوق بشر و نیز پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ متعهد به حمایت از کنشگران انسانی، از جمله کودکان و کودکان دارای معلولیت به طور خاص گردید. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران، «قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» را در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۳ به تصویب رساند. کنوانسیون مذکور، با نظر به معلومان به طور عام و کودکان دارای معلولیت به طور خاص، آن‌ها را تحت رویکرد حقوقی مسلط، به عنوان «اپیگان حقوقی» مطرح نموده و برای آن‌ها به طور کلی و کودکان معلول به طور خاص، حقوقی را در نظر گرفت که شامل موارد زیر می‌باشد: حق برخورداری از نام، هویت و تابعیت، حق برخورداری از تردد بین‌المللی، حق برخورداری از خانواده، خانواده جایگزین و قیمومت، حق برخورداری از ارث، حمایت از خانواده کودکان معلول، حمایت از توان فرزندآوری و باروری معلولان، حق برخورداری از حیات و زندگی، حق آزادی بیان، فکر، عقیده و عمل، حق احترام، حق دسترسی به اطلاعات، عدم تبعیض رعایت برابری، رعایت برابری درون‌گروهی بین معلومان (منع نابرابری بر اساس معلولیت)، منع هرگونه استثمار، منع خشونت، آزار و سوءاستفاده (به خصوص سوءاستفاده و آزار جنسی)، حمایت بهداشتی و سلامت، حمایت از آموزش و تحصیلات، برخورداری از امکانات مناسب

تقدیس شده بشری حائز اهمیت باشد. در این راستا باید اقدامات لازم به منظور دسترسی‌پذیری این افراد با هدف ایجاد محیطی بدون مانع و قابل دسترس جهت مشارکت این افراد در همه حوزه‌ها با فرصت‌های برابر در امکانات رفاهی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی همانند سایر اشخاص فراهم آید. طبق ماده ۲ قانون حمایت از معلولان، کلیه وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماكن عمومی و معابر و وسائل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها برای افراد دارای معلولیت همچون سایر افراد فراهم گردد. در حوزه خدمات بهداشتی، درمانی و توان‌بخشی پیرو ماده ۶ قانون فوق وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است پوشش بیمه سلامت افراد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان را به گونه‌ای تأمین نماید که علاوه بر تأمین خدمات درمانی مورد نیاز این افراد، خدمات توان‌بخشی جسمی و روانی افراد دارای معلولیت را تحت پوشش قرار دهد. وفق ماده ۷ این قانون سازمان بهزیستی را مکلف به پرداخت حق پرستاری یا مددکار به منظور حمایت از نگهداری و مراقبت افراد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید نیازمند و افراد دچار معلولیت‌های چندگانه نیازمند در خانواده پس از ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای به همسر یا قیم این افراد نموده است یا می‌تواند خدمات مراقبتی و نگهداری از افراد دارای معلولیت را از طریق مراکز وابسته به خود یا حمایت از مراکز غیر دولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه و تشکل‌های مردم‌نهاد) ارائه نماید. ماده ۵ منشور حقوق شهروندی (از این به بعد «منشور»)، ضرورت امکانات درمانی و توان‌بخشی برای بهبودی و یا توانمندشدن به منظور زندگی مستقل و مشارکت در جنبه‌های زندگی را در شهروندان دارای معلولیت مورد تأکید قرار داده است. وفق ماده ۳ منشور، برخورداری برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی افراد را از

۳-۱. **قوانين و مقررات تقنیتی (۱۶-۱۸):** کودکان دارای معلولیت، بر اساس قانون اساسی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، حقوق شهروندی و قانون حمایت از حقوق معلولان از همه حقوق انسانی که برای کودکان پیش‌بینی شده‌اند، برخوردار می‌باشند. آزادی و کرامت ابنای بشر به عنوان اهداف قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. اصل سوم قانون اساسی کرامت انسانی را از نظر امکان فعالیت‌های اجتماعی، اصل نوزدهم به بهره‌مندی همگان از حقوق مساوی و توجه به اصل اساسی منع تبعیض، اصل بیستم با عنایت به حمایت یکسان قانون از همه افراد ملت اعم از زن و مرد و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام را مورد تأکید قرار داده است. همچنانی اصل بیست و نهم قانون اساسی به حق همگانی در برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و...، به عنوان وظایف دولت طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم است که خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین نماید. بنابراین قانون اساسی با تأکید به اصول فوق‌الذکر موجبات تضمین و عینیت‌بخشیدن به آن را فراهم آورده است و بر عهده قوای سه‌گانه است که زمینه تحقق این اصول را در صحنه عمل به عمل آورند.

بر اساس ماده ۱ قانون حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ در تعریف فرد معلول مقرر می‌دارد: «شخصی است که با تأیید کمیسیون پزشکی - توان‌بخشی تعیین نوع و تعیین شدت معلولیت سازمان بهزیستی کشور با انواع معلولیت‌ها در اثر اختلال و آسیب جسمی، حسی (بینایی، شنوایی)، ذهنی، روانی و یا توأم، با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت‌های روزمره زندگی و مشارکت اجتماعی، مواجه می‌باشد.»

آسیب‌پذیربودن این اشخاص باعث شده تا در قانونگذاری، برابری حقوق بدون هیچ‌گونه تبعیض در مورد تمامی حقوق

استثنایی کشور استانداردها و نظامنامه جامع آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای کارآموزان دارای معلومیت را ظرف مدت شش ماه تدوین و به مراکز موضوع این ماده ابلاغ نماید.» پیرو ماده ۱۰ قانون فوق، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، مکلف است در قالب اعتبارات مصوب سازمان، صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی افراد دارای معلومیت تحت پوشش را ایجاد نماید، با این مرکزی نیز موظف است مجوزهای لازم جهت تأسیس صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی افراد دارای معلومیت را در چارچوب قوانین و مقررات مربوطه در اختیار وزارت قرار دهد. طبق ماده ۱۱ این قانون دولت مکلف است جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد دارای معلومیت تسهیلات لازم را در چارچوب مصوبات و طبق مقررات قانون فوق فراهم نماید.

از طرفی، کودکان دارای معلومیت به منظور شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و هنری باید از فرصت‌های برابر با کودکان سالم برخوردار باشند که به عنوان محیطی برای ابراز و محیطی برای تحقق زندگی با کیفیت و رضایت‌بخش تلقی می‌شوند. در راستای فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی‌های عمومی معلومان، ماده ۲۰ مقرر داشته: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شهرداری‌ها و سایر سازمان‌ها و نهادهای دارنده سالن‌های نمایش فیلم، مکلفند بدون اخذ هزینه، امکان نمایش آگهی (تیزر)‌های آموزشی مورد تأیید سازمان در خصوص حقوق افراد دارای معلومیت و چگونگی تعامل با این افراد را فراهم آورند» و مطابق ماده ۲۱ «سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مکلف است حداقل پنج ساعت از برنامه‌های خود را در هفته به صورت رایگان در زمان‌های مناسب به برنامه‌های سازمان و تشکل‌های مردم‌نهاد حامی افراد دارای معلومیت به منظور آشنایی مردم با حقوق، توانمندی‌ها و مشکلات این افراد اختصاص دهد و نسبت به زیرنویسی فیلم‌ها و برنامه‌های شبکه‌های مختلف سیما، استفاده از رابط ناشنوايان و نیز پخش توصیف شنیداری فیلم‌ها جهت افراد نابینا اقدام نماید.»

حقوق زنان به ویژه در دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلومیت اعلام نموده است. همچنین آموزش فرآگیر و مدون برای کودکان دارای معلومیت باید بر اساس نیازهای آمورشی فرعی آن‌ها فراهم گردد، زیرا برخی از این کودکان نیازمند حمایت خاص هستند که ممکن است در نظام آموزشی معمولی در دسترس نباشند. پیرو ماده ۹ قانون حمایت از معلومان: «افراد دارای معلومیت نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می‌توانند با معرفی سازمان از آموزش عالی رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه‌های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مراکز آموزش عالی غیر دولتی از محل ردیف مربوطه در بودجه سنتوای بهره‌مند گردند.»

آموزش در راستای پیشرفت دانش و آگاهی شغلی و مهارت حرفه‌ای کودکان را قادر می‌سازد تا در مراحل بعدی زندگی در رابطه با اشتغال انتخاب بهتری داشته باشند. ماده ۱۱ حقوق شهروندی مقرر داشته: «معلومان (توان خواهان) باید به تناسب توانایی‌ها از فرصت و امکان تحصیل و کسب مهارت برخوردار باشند و معلومیت نباید موجب محرومیت از حق تحصیل دانش و مهارت‌های شغلی شود.» بدین منظور آموزش با هدف پیشرفت شغلی و تحصیلی برای تمامی اشخاص معلوم در نظر گرفته شده است. بر اساس ماده ۱۴ قانون حمایت از معلومان: «سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور مکلف است رأساً یا با جلب مشارکت بخش غیر دولتی، اقدام به پذیرش کارآموزان دارای معلومیت نماید و از طریق مناسبسازی و توسعه مراکز موجود و یا تأسیس آموزشگاه‌ها و مراکز آموزشی نسبت به ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای افراد دارای معلومیت اقدام کند و به ارائه حمایت‌های لازم و تأمین تجهیزات تخصصی مهارت‌آموزی مناسب با شرایط کارآموزان دارای معلومیت، کمک هزینه این افراد را پرداخت نماید. همچنین این سازمان مکلف است به منظور تأمین کیفیت و بازدهی مطلوب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای افراد دارای معلومیت، با اخذ مشاوره‌های تخصصی سازمان و سازمان آموزش و پرورش

اقدامات کافی برای جلوگیری از انتشار و افشاء اطلاعات اتخاذ شود.»

پیرو ماده ۳۳ قانون فوق، هرگاه خطر شدید و قریب‌الواقعی طفل یا نوجوان را تهدید کند یا به سبب وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده ۳ این قانون وقوع جرم، محتمل باشد، مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری مکلفند فوری و در حدود وظایف و اختیارات قانونی اتخاذ نمایند. طبق ماده فوق اصل بر این است که کودکان در کنار خانواده باشند و از محیط خانواده جدا نشوند. از این رو «مددکاران اجتماعی تدبیر و اقدامات لازم را در صورت امکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیا و یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم انجام داده و در موارد ضروری وی را از محیط خطر دور کرده و با تشخیص و زیر نظر مددکار اجتماعی به مراکز بهزیستی یا سایر مراکز مربوط منتقل کنند»، سپس موظند گزارش موضوع و اقدامات خود را حداکثر ظرف مدت دوازده ساعت به اطلاع دادستان برسانند. همچنین وفق ماده ۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، هرگاه بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان منتج به فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کارافتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری صعب‌العلاج یا دائمی جسمی یا روانی و یا ایراد جراحت از نوع جائمه یا بالاتر گردد، حسب مورد به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. طبق بند «ب» ماده ۲۲، هرگاه مرتكب از کم‌توانی ذهنی یا جسمی طفل و نوجوان در جرائم موضوع ماده ۸ قانون فوق، تهدید، ترغیب یا تشویق کودکان و نوجوانان جهت فراهم‌آمدن موجب فرار طفل یا نوجوان از خانه یا مدرسه و یا ترک تحصیل آنها و یا با فریب آنها و یا تسهیل آن اعمال را فراهم کند و یا مطابق ماده ۹ قانون فوق، هرگاه در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان منتج به فوت و یا فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کارافتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری صعب‌العلاج یا دائمی جسمی یا روانی و یا ایراد جراحت از نوع جائمه یا بالاتر و یا نقصان یکی از حواس یا

به منظور حمایت‌های مالی و معیشتی از معلولان طبق ماده ۲۷ قانون فوق «دولت مکلف است کمک هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید و یا شدید فاقد شغل و درآمد را به میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم را در قوانین بودجه سنتوای کشور منظور نماید. بانوان کارمند دارای همسر یا فرزند معلول به شرط نگهداری فرد دارای معلولیت در منزل (با تأیید سازمان بهزیستی) از تسهیلات مقرر در قانون راجع به خدمت نیمه وقت بانوان مصوب ۱۳۶۲/۹/۱۰ و اصلاحات و الحالات بعدی آن با استفاده از حقوق و مزایای کامل بهره‌مند خواهند شد. کارمندان مرد دارای همسر معلول و یا دارای فرزند معلول تحت سپرستی و فاقد مادر به شرط نگهداری فرد دارای معلولیت در منزل (با تأیید سازمان بهزیستی) با یک‌چهارم کسر ساعت کار هفتگی، از حقوق و مزایای کامل استفاده خواهند نمود.» وفق ماده ۲۸ دستگاه‌های مشمول مکلفند «ساعت کار هفتگی شاغلان دارای معلولیت‌های شدید و خیلی شدید را ده ساعت کاهش دهند.»

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، طبق بند «د» ماده ۳ «کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی» اطفال و نوجوانان که در شرایط بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی قرار گیرند به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب کرده که موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود.

ماده ۳۲ قانون فوق اختیارات وسیعی به مددکاران اجتماعی داده است. پیرو ماده فوق «مددکاران اجتماعی بهزیستی پس از کسب اطلاع از وضعیت مقتضی را از طرق زیر قانون، حسب مورد تحقیقات و اقدامات مقتضی ۱- دعوت والدین، اولیا، سرپرستان قانونی و یا انجام می‌دهند: ۲- مراجعت به همراه آنها؛ ۳- مراجعت به محل سکونت، اشتغال و تحصیل طفل و نوجوان و یا سایر محل‌های مرتبط به همراه ضابطان دادگستری در صورت نیاز. تبصره: سؤالات و تحقیقات باید به موضوع مورد بررسی محدود شده و تدبیر و

طیف اتیسم، بر اساس قانون تشکیل سازمان بهزیستی و بند ۱۰ ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی، به منظور صدور پروانه فعالیت برای ایجاد مراکز توانبخشی با هدف گسترش و ارتقای سطح کیفی ارائه خدمات آموزشی، توانبخشی، مراقبتی به گروه هدف در جهت نیل به توانمند سازی آنان و کاهش تصدیگی دولت که بر عهده سازمان بهزیستی کشور می‌باشد، با هماندیشی متخصصان و کارشناسان مرتبط در سازمان بهزیستی کشور، بهزیستی استان‌ها، انجمن مراکز غیر دولتی و انجمن‌های علمی، در سال ۱۳۹۶، در ۸ ماده و ۱۴ تبصره توسط حوزه معاونت امور توانبخشی، جهت اجرا، تنظیم و بازنگری و تصویب شد. ایضاً دستورالعمل شرایط و ضوابط اختصاصی مراکز توانبخشی معلومین (توانبخشی و مراقبتی شبانه‌روزی معلومان جسمی حرکتی بالای ۱۴ سال) در ۱۱ ماده و ۲۴ تبصره توسط حوزه معاونت امور توانبخشی، دفتر امور مراکز توانبخشی مراقبتی بازنگری و در سال ۱۳۹۶ در شورای مدیران حوزه معاونت امور توانبخشی کشور به تصویب رسید. به علاوه، دستورالعمل شرایط و ضوابط تخصصی مراکز غیر دولتی شبانه‌روزی توانبخشی و مراقبتی معلومان ذهنی (افراد با ناتوانی هوشی رشدی) در ۸ ماده توسط حوزه معاونت امور توانبخشی، دفتر امور مراکز مراقبتی توانبخشی بازنگری و در سال ۱۳۹۶ در شورای مدیران حوزه معاونت امور توانبخشی کشور نیز به تصویب رسید. علاوه بر موارد فوق، دستورالعمل شرایط و ضوابط اختصاصی مراکز اقامت موقت توانبخشی (آموزشی، توانپزشکی، اجتماعی) در سال ۱۳۹۹ در ۱۵ ماده و ۲۴ تبصره توسط حوزه معاونت امور توانبخشی، دفتر امور مراکز توانبخشی مراقبتی در شورای مدیران حوزه معاونت امور توانبخشی کشور مورد تصویب قرار گرفت که شرایط حمایت و حفاظت از معلومان را مورد توجه قرار داده است. از این رو با تصویب قوانین عادلانه و حمایتگرا مسبوق به برنامه‌ریزی و پیش‌بینی شرایط مناسب به منظور دسترسی به تمام تسهیلات به صورت برابر با سایر افراد جامعه برای افزایش

منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضا و یا بروز بیماری روانی و یا جراحت سر و صورت و یا گردن و یا آزار جنسی ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری شدید و مستمر شده باشد و یا پیرو ماده ۱۰ قانون فوق، هر کس نسبت به طفل یا نوجوان مرتکب آزار یا سوءاستفاده جنسی شود و یا طبق ماده ۱۱ قانون فوق، هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان و یا مطابق ماده ۱۲، فاچاق اطفال و نوجوانان و یا پیرو ماده ۱۳، انتقال، خرید، فروش یا قاچاق اعضا و جوارح طفل یا نوجوان، و ماده ۱۴ فراهم‌آوردن موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان، ماده ۱۵، بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان و مطابق ماده ۱۶ در اختیار قراردادن یا فروش مواد دخانی به اطفال و نوجوانان سوءاستفاده کند، طبق ماده ۲۲ قانون فوق مرتکب جرم به بیش از میانگین حداقل و حداقل تا حداقل مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد، لذا قانونگذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با توجه به وضعیت مخاطره‌آمیز طفل و نوجوان دارای کم‌توانی جسمی و ذهنی موجبات جلوگیری از ورود آسیب، پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزه‌کاری، حمایت و حفاظت از اطفال و نوجوانان، مداخله در سطح گستردگی و رسیدگی به خانواده‌های در معرض خطر را مورد توجه قرار داده است. در قانون جمهوری اسلامی ایران، سازمان بهزیستی عهده‌دار کمک به معلومین است و طبق دستورالعمل اجرایی نحوه پذیرش و کمک مالی به معلومین و سالمدان معلوم که در سال ۱۳۷۵ به تصویب سازمان بهزیستی رسیده است، کمک‌هایی به کودکان دارای معلولیت می‌نماید. این کمک‌ها شامل پرداخت وجهی بابت هزینه نگهداری، تحصیل و مداوای کودکان دارای معلولیت است. اگر کودک معلولی فاقد چنانچه خانواده‌ای داوطلب نگهداری کودک معلولی باشد، در ازای هر فرد معلم، سازمان بهزیستی وجهی به نگهدارنده، پرداخت خواهد نمود. بنابراین در ۱۳ ماده دستورالعمل مذکور، علاوه بر حمایت‌های دیگر، حمایت‌های اقتصادی - مالی از معلومان مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین دستورالعمل شرایط و ضوابط تخصصی اقامت موقت افراد دارای اختلال

احتمال رسیدن آسیب به سلامت روحی و جسمی کودکی که در آن موقع نطفه‌اش منعقد می‌شود، به تفصیل بیان شده است. امام رضا (ع) می‌فرماید: «آغاز شب، چه در زمستان و چه در تابستان، با زنان آمیزش مکن. این به آن جهت است که معده و رگ‌ها پُر هستند و این وضعیت مناسبی برای آمیزش نیست و بیم قولنج، فلچ، لرزش چانه، نقرس، سنگ کلیه، تقطیر بول، فتق، ضعف در بینایی و ذهن می‌رود. پس اگر کسی اراده آمیزش دارد، باید در پایان شب باشد که برای بدن، سالم‌تر و برای فرزندآوردن، امیدوارکننده‌تر و برای افزونی هوش فرزندی که در این میان پدید می‌آید، بهتر است» (۱). موضوع مراقبت از جنین نیز در روایتها مطرح شده است. مراقبت جسمی، روحی، اخلاقی و دوری از گناه در دوران بارداری اهمیت فوق العاده‌ای دارد. توجه به امنیت و آرامش روانی و عدم اضطراب و هیجانات منفی، ضمن توجه جدی به تغذیه، بهداشت و سلامت محیط زندگی از اقدام‌های مهمی است که مطابق دستورات اسلامی، رعایتش بر عهده پدر و مادر می‌باشد. روایت‌های متعددی نیز در زمینه خوردن انواع خوراکی‌ها و اثر آن بر هوش، زیبایی، سلامت جسمانی و اخلاق کودک، بیان شده است (۱۹). همچنین تکالیفی برای پدران در این دوران بیان گردیده و آن‌ها وظیفه دارند، زمینه سلامت جسم و روح مادر را فراهم و محیطی سرشار از آرامش و محبت ایجاد نمایند.

۳-۳. حقوق کودک در میثاق اسلامی: لازم به ذکر است که سازمان کنفرانس اسلامی، سازمانی بین منطقه‌ای متشکل از ۵۷ کشور مسلمان است که با شعارهای تفاهم و همکاری اسلامی و تلاش در راه همبستگی اسلام، برای اهداف مشترک، تکیه بر حفظ ارزش‌های معنوی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی اسلام و استحکام پیوندهای برادری و دوستی و مذهبی بین کشورهای مسلمان در یک پوشش مذهبی در سپتامبر ۱۹۶۹ م. ش. تأسیس گردید (۲۰). این سازمان استناد متعددی را با نگاه حاکمیت شریعت موازین اسلامی تصویب کرده که اعلامیه حقوق بشر در اسلام از جمله آن‌ها است. معمولاً اسنادی که توسط سازمان کنفرانس اسلامی تصویب

توانایی‌ها و ظهور استعدادها در این افراد، در ارتقای کشور و تحقق عدالت و کرامت انسانی گام برآشت.

۳-۴. آموزه‌های دین اسلام (با محوریت تشیع): اسلام توصیه می‌کند که به هنگام ازدواج هر یک از زوجین در صفات و خصوصیات روحی و جسمی طرف مقابل دقت کند تا محصول زندگی مشترک فرزندی سالم باشد. اگر بی‌توجهی به این امر منجر به تولد فرزندی معلول، عقب‌مانده و ناتوان گردد، پدر و مادر مسئول خواهند بود. بنابراین اسلام رعایت منافع کودکی که بالقوه موجود است را نیز در نظر گرفته است. در اسلام، مسئله تعریف محدوده کودکی و برخورداری از حقوق کودک و یا مسئولیت رعایت حقوق کودکان، نسل‌های قبلی و بعدی را نیز دربر می‌گیرد. گویی محدوده کودکی پیرامون مبحث آغاز آن و لزوم رعایت حقوق کودکان، تاریخ و نسل‌ها را دربر گرفته و مسئله‌ای «فراتاریخی» و «فرانسلی» است. بنابراین تاریخ، جامعه و نسل‌های پیشین، مسئول رعایت حقوق کودکان آینده از جمله کودکان بالقوه معلول می‌باشند (۲).

در روایت‌های معصومین (ع) نیز توصیه‌های فراوانی در جهت حفظ سلامت جسمی و روانی کودک، مطرح شده است، مثلاً پیامبر (ص) می‌فرمایند: «جایگاه مناسبی برای نطفه‌های خود برگزینید» و نیز می‌فرمایند: «از خانواده‌ای شایسته همسر گریزینید، زیرا ریشه‌ها سرایت کننده‌اند»، «با خویشاوندان نزدیک ازدواج نکنید، زیرا فرزندی که متولد می‌شود نحیف و ضعیف خواهد بود.» علاوه بر این‌ها، توصیه‌های بسیاری در مورد زمان و مکان، شرایط جسمی و روحی زن و مرد در هنگام تصمیم به انعقاد نطفه، بیان شده است که همگی برای تولد فرزند متعادل و برخوردار از سلامت جسم و روح است. از نظر مبانی فقهی اسلامی، از آداب مؤکد در زمان اقدام به تشکیل نطفه «دعایکردن» است. امام باقر (ع) می‌فرمایند: «هرگاه فرزند خواستی، هنگام آمیزش بگو، بارالها فرزندی روزی ام کن و او را با تقوا قرار ده، نه افزونی در جسم او باشد و نه کاستی، و او را عاقبت به خیر گردان» (۱). در مورد زمان آمیزش نیز سفارش‌های بسیاری از پیامبر و ائمه آمده است و اوقات مناسب برای تشکیل نطفه سالم و همچنین اوقاتی که

با ایجاد سازوکارهای سازمان ملل متحد و تدوین حقوق بشر، سپس کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون حقوق اشخاص معلوم، تا دهه اول سال ۲۰۰۰ توفیق حقوقی‌سازی فضای حاکم بر معلوم حاصل شد. معلومان شهروندانی دارای حقوق بودند که باید به عنوان «اپزه‌های حقوقی» مورد توجه و حمایت همه‌جانبه توسط جامعه جهانی و دولت‌ملتها قرار گیرند. معلومان اپزه‌های حقوقی بوند که نه تنها به دلیل مسائل رژنیکی به صورت مادرزادی دارای نقایصی در سطح جسمی و روانی خود بودند بلکه همه کسانی که به دلایل طبیعی و اجتماعی همانند زلزله و جنگ دچار نقص جسمی روانی شده بودند، را دربر گرفت، بلکه فراتر از آن همه کسانی که به عنوان اپزه حقوقی و شهروند، قادر به مشارکت در سطوح مختلف جامعه نبودند، معلوم در نظر گرفته شدند. دایره شمول معلومیت گسترش یافته و تعهدات ساختاری بسیاری برای حمایت و رسیدگی به آن‌ها در جهان شکل گرفت.

آنچه که مهم است، در سطح سیاستگذاری و برنامه‌های بین‌المللی، معلوم هر کسی است که به دلایل وراثتی و مادرزادی، طبیعی، اجتماعی و عدم مشارکت نتواند زندگی بهنگاری داشته باشد و نیازمند حمایت است. دایره شمول معلومان به همه افراد انسانی زنده متولدشده که دارای شرایط ناتوانی زندگی بهنگار به دلایل مطرح شده هستند، اطلاق می‌گردد و همه سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت حمایت همه جانبی اقتصادی - مالی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و... از معلومان است. رویکرد حاکم بر سیاستگذاری‌های بین‌المللی برای معلومان از جمله کودکان دارای معلومیت، کاهش آسیب، توانبخشی و درمان است که نسبت به معلومان و معلومیت، «استراتژی پسینی» محسوب می‌شوند.

لازم به ذکر است که در جهان اسلام با محوریت میثاق اسلامی حقوق کودک و در قوانین و مقررات داخلی جامعه ایران، نیز همانند سطح بین‌المللی، معلوم، هر کنشگری است که به دلایل وراثتی - مادرزادی، طبیعی، اجتماعی دچار نقص جسمی و روانی بوده و یا به دلیل عدم زندگی بهنگار همانند کنشگران سالم، قادر به مشارکت در جامعه، نباشد و نیز در هر

می‌شوند در صحنه بین‌المللی وجود دارند، اما از آنجا که در اساس موازین اسلامی تفاوت‌هایی با حقوق بین‌الملل مصطلح وجود دارد، به طور مستقل توسط این سازمان به آن پرداخته می‌شود. میثاق حقوق کودک در اسلام از جمله اسنادی است که سازمان کنفرانس اسلامی داعیه بهره‌گیری از شریعت اسلامی در تنظیم آن را دارد.

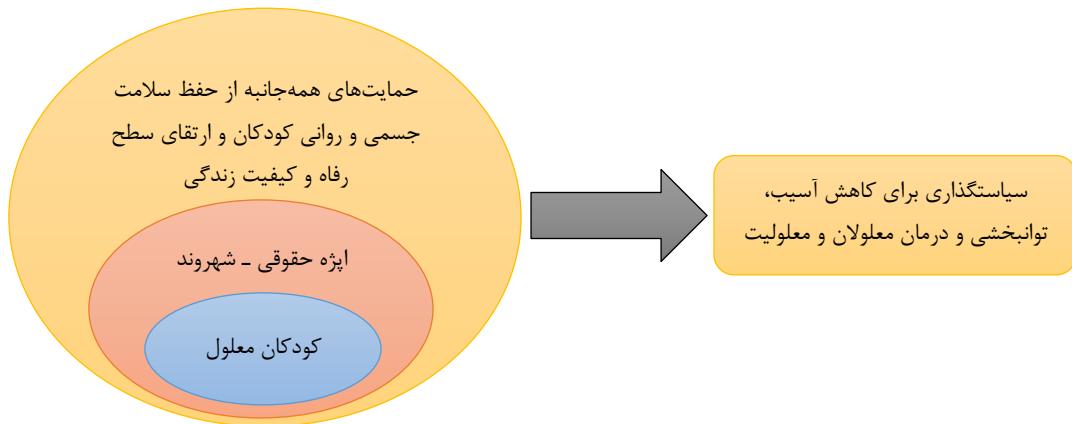
ماده ۲ میثاق اسلامی حقوق کودک، به لزوم توجه و مساعدت و گسترش حمایت جوامع عضو از خانواده و تقویت آن‌ها برای ایفای نقش در سلامت و ارتقا و رشد جسمی، روحی و رفتاری کودکان تأکید می‌کند. ماده ۱۶ میثاق نیز به ایجاد شرایط و امکانات برای رشد و پیشرفت آموزشی، اجتماعی، حرفه‌ای و... کودکان دارای شرایط خاص و کودکان دارای معلومیت و ناتوان جسمی تأکید می‌کند و می‌گوید: «بند ۱؛ کودک معلوم یا دارای نیازهای خاص، سزاوار بهره‌مندی از مراقبت ویژه که حقوق کامل او را تضمین نموده و مناسب با وضعیت او و موقعیت والدینش یا شخص عهده‌دار مسئولیت او و نیز قابلیت‌های موجود است، می‌باشد. این خدمات بایستی تا حد امکان به طور رایگان یا با هزینه‌ای کم فراهم گردد؛ بند ۲؛ اهداف مراقبت از کودک معلوم یا کودک دارای نیازهای خاص، تحصیل، توانبخشی و آموزش، تدارک ابزار مناسب حرکتی (خدمات قلبی، روحی، اجتماعی، تحصیلی، حرفه‌ای و تفریحی) به منظور توانمندساختن او جهت ادغام در جامعه است.»

بحث و نتیجه‌گیری

بعد دو جنگ جهانی و زیادی جمعیت نقص عضوشده‌ها در جنگ، جوامع مجبور به اتخاذ رویه‌هایی برای حمایت از این افراد شدند. در این دوران بود که قهرمانان ملی که در جنگ دچار معلومیت شده بودند، رویکرد غالب بر معلومان را دچار تحولات مثبت‌نگرانه کردند. جوامع شروع به اقدامات و سیاستگذاری‌های مختلفی برای ارتقای رفاه و کیفیت زندگی معلومان نمودند. در این بین کودکان جنگزده و معلوم نیز بی‌بهره نبودند.

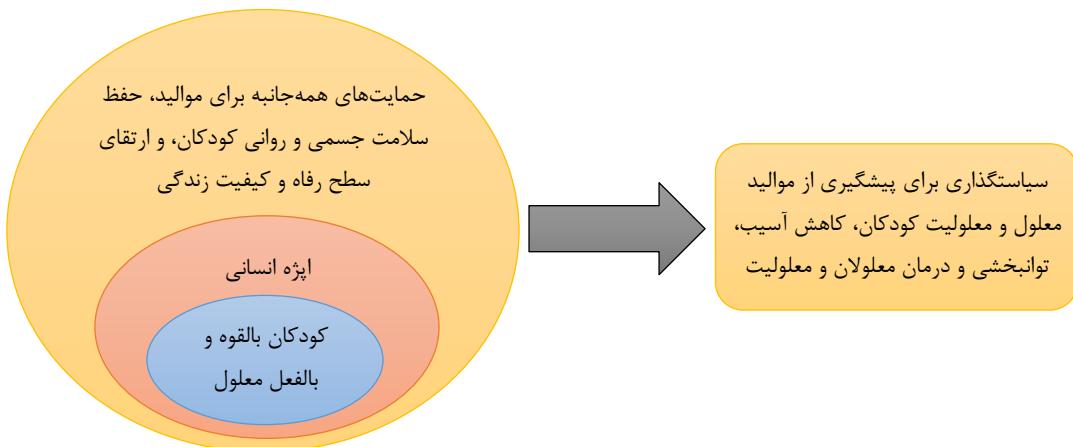
سیاستگذاری‌های مذکور هستند. سیاستگذاری مورد نظر، در جهت کاهش آسیب، توانبخشی و درمان معلولان و معلولیت هستند و نسبت به معلولان و معلولیت، «استراتژی پسینی» محسوب می‌شوند.

دو حوزه جهان اسلام با محوریت میثاق اسلامی حقوق کودک و در قوانین و مقررات داخلی جامعه ایران، کودک معلوم به عنوان یک اپزه حقوقی، نیازمند برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در جهت ارتقای سطح رفاه و کیفیت زندگی است. جامعه و ساختار قدرت سیاسی و حاکمیت، مسئول تدوین و اجرای



سیاستگذاری‌های دین اسلام پیرامون کودکان دارای معلولیت، از جمله کودکان دارای معلولیت جسمی و روانی که به هر دلیلی از جمله وراثت و مادرزادی، طبیعی، اجتماعی و عدم مشارکت، دچار معلولیت شده‌اند، نه تنها در جهت کاهش آسیب، توانبخشی و درمان آن‌ها است، بلکه بر توجه به «آینده و آیندگان» و رعایت حقوق بالقوه نسل‌های بعدی تأکید داشته و دارای رویکرده «پیشگیرانه» است. استراتژی حاکم بر آموزه‌های دین اسلام در رابطه با کودکان دارای معلولیت در قالب «استراتژی پیشینی و پسینی» است. لازم به ذکر است که در دین اسلام، در همه برنامه‌های مربوط به استراتژی‌های پیشینی و پسینی، برای کودکان دارای معلولیت، نه تنها قدرت حاکمه، بلکه کنشگران جامعه مسئول و موظف می‌باشند. «مسئولیت اجتماعی» مفهومی محوری است که متکثر و پراکنده در همه جامعه است نه محدود به قدرت مسلط حاکمیت.

اما تحلیل‌های جامعه‌شناسی رویکرد و برنامه‌های مورد نظر دین اسلام نسبت به معلولین و معلولیت با سه حوزه: ۱- اسناد بین‌المللی؛ ۲- جهان اسلام با محوریت میثاق اسلامی حقوق کودک؛ و ۳- قوانین و مقررات تقنینی ایران کاملاً متفاوت است. در دین اسلام، با محوریت تشیع به عنوان مذهب مسلط در ایران، پرداختن به کودک، به صورت بالقوه‌بودن کودک نه بالفعلی آن است. به این معنی که کودکان نسل‌های بعد در نسل حاضر مورد توجه و «آینده‌نگری» هستند و همانطور که در تحلیل داده‌ها مطرح شد، در اسلام، مسئله تعریف محدوده کودکی و برخورداری از حقوق کودک و یا مسئولیت رعایت حقوق کودکان، نسل‌های قبلی و بعدی را نیز دربر می‌گیرد. گویی محدوده کودکی پیرامون مبحث آغاز آن و لزوم رعایت حقوق کودکان، تاریخ و نسل‌ها را دربر گرفته و مسئله‌ای «فراتاریخی» و «فرانسلی» است. بنابراین تاریخ، جامعه و نسل‌های پیشین، مسئول رعایت حقوق کودکان آینده از جمله کودکان بالقوه معلم می‌باشند. همه برنامه‌ها و



نمودار ۳: رویکرد حاکم بر سیاستگذاری برای معلولان در دین اسلام

و در سطح سیاست‌های خرد «گمنام» مانده‌اند که منجر به کچ فهمی و فهم ناقص تحلیلگران داخلی و خارجی پیرامون ساختار رسمی جامعه ایران می‌گردد. بنابراین چنین موضوعی نیازمند رسیدگی فوری است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

با توجه به حق شرط ایران در پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی و پذیرفتن برنامه‌های سازمان ملل متحد، باید در جلسات سازمان ملل در کنوانسیون‌های مربوطه بر آموزه‌های دین اسلام در راستای تکمیل برنامه‌های جهانی تأکید شود و این موضوع در گزارش‌های بین‌المللی به کنوانسیون‌های مربوطه مطمح نظر قرار گیرد. علاوه بر این، در جهان اسلام و میثاق اسلامی حقوق کودک، نیازمند بازنگری در مواد و برنامه‌های ارائه‌شده در میثاق، بر اساس آیین دین اسلام هستیم، زیرا میثاق نسبت به دین اسلام دارای نمائی است که در نتیجه میثاق اسلامی، بیشتر به کنوانسیون‌های بین‌المللی شاهدت دارد تا آیین دین اسلام و این موضوع نیازمند رسیدگی است. همچنین، قوانین و مقررات تقنیتی ایران، نیازمند تکمیل بر اساس دین اسلام هستند که نه تنها رویکرد پسینی، بلکه رویکرد پیشینی را دربر گیرند، هرچند که در ایران، سیاستگذاری‌های غیر تقنیتی از جمله مشاوره ژنتیک برای زوجین، مشاوره پیش و پس از ازدواج، حمایت از مادران باردار و کودکان، آگاه‌سازی عمومی نسبت به معلولیت‌ها، غربالگری‌های ژنتیکی زوجین و در کل طرح‌های فرآگیر شناسایی اختلال‌های ژنتیکی تا افق ۱۴۰۰ و... برای پیشگیری از تولد کودکان دارای معلولیت و نیز حمایت‌های مختلف برای ایمنی و امنیت افراد، از جمله کودکان در جهت سلامت جسمی و روانی آن‌ها وجود دارد، اما در ساختار قوانین و مقررات تقنیتی کشور منعکس نمی‌باشند.

References

1. Sha'ban M, Mohseni Tabrizi AR, Ja'fari F. Sociological Analysis of the Rights of Children with Disabilities: Policies of Iran, the Islamic World, and the International. *International Journal of Social Sciences*. 2020; 10(2): 35-44.
2. Shaban M. Sociology of Childhood in Iran: Emergence and Transformation. PhD Thesis. Tehran: Faculty of Social Sciences, University of Tehran; 2020. [Persian]
3. Robinson Nani M, Robinson Halbert B. Mentally Retarded Child. Translated by Maher F. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing; 1991. [Persian]
4. World Health Organization. Effects and consequences of diseases, UNESCO; 1996.
5. Mohseni Bandpey A. 30,000 disabled children are born in the country annually. ISNA News Agency, May 7, 2017, news code 96021811144. [Persian]
6. Koozegar MA., Welfare support for five million people, we have 25,000 children with disabilities annually. Mehr News Agency, September 1, 2016, news code 4390635. [Persian]
7. Rezaei A, Elsan M. Educational rights of children with disabilities in Iran: The need to keep pace with international developments. *Journal of Legal Research*. 2008; 7(13): 221-236. [Persian]
8. Kamali M, Iran F. A Review of the Rights of Children with Disabilities. *Journal of Social Welfare*. 2003; 2(7): 93-110. [Persian]
9. Razavizadeh M. How many children are disabled in Iran?. Report Journal. 2008; 17(202): 35. [Persian]
10. Eide AH, Braathen SH. Disability and equity in global health. *Tidsskrift for den norske legeforening*. 2017.
11. Convention on the Rights of Persons with Disabilities. New York; 2006.
12. Hodgkin R, Newell P. Implementation Handbook for the Convention on the Rights of the Child Gereva. Switzer Land: Unicef; 1998. p.19.
13. UN Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No.9 (2006). The rights of children with disabilities; 2007, CRC/C/GC/9. Available at: <https://www.refworld.org/docid/461b93f72.html>. Accessed May 23, 2021.
14. Convention on the Rights of the Child. Adopted and opened for signature. 1959.
15. LeBlanc LJ. The Convention on the Rights of the Child. *Leiden Journal of International Law*. 1991; 4(2): 281-291.
16. Artida T, Taghizadeh M. Rights of Children and Adolescents in the Islamic Republic of Iran: Collection of Laws and Regulations until the End of 2009. 1st ed. Tehran: UNICEF Publishing; 2012.
17. Ebadi SH. Comparative Child Rights. 1st ed. Tehran: Kanoon Publishing; 1997. [Persian]
18. Ebadi SH. Children's rights: A look at children's legal issues in Iran. 4th ed. Tehran: Kanoon Publishing; 1996. [Persian]
19. Meikhabar S. Reyhaneh Beheshti; Farzande Saleh. Qom: Noor al-Zahra Publishing; 2020. [Persian]
20. Fowzi Tuyserkani Y. Organization of the Islamic Conference. Tehran: Ministry of Foreign Affairs; 1998. [Persian]